

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال ششم، شماره ۲۱، پاییز ۱۴۰۰، صفحات ۱۷ تا ۱
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۴ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۰

بررسی حکم تألیف قلوب در عصر حاضر

| صادق فرهادی* | دانشجوی دکتری رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد

مشهد.

| حسین احمدی | دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد،

ایران.

چکیده

تالیف قلوب یا الْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبُهُمْ یکی از اصول سیاست خارجی اسلام است که بیشتر از دیگر اصول مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته، ماهیت این اصل روابط خارجی اسلام در دلجویی از مشرکان، کفار و گروهی خاص از مسلمانان را تبیین می‌کند با توجه به اهمیت این موضوع در این تحقیق به بررسی حکم تألیف قلوب در عصر حاضر می‌پردازیم و به دنبال این پرسش است که آیا حکم تألیف قلوب در عصر حاضر همچنان باقی است؟ در این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی با منابع کتابخانه‌ای به بررسی این تحقیق پرداخته ایم و فرضیه تحقیق این است که حکم تألیف قلوب در عصر حاضر ضرورت دارد و همچنان باقی است. نتایج حاصل از تحقیق بیان می‌کند که در عصر حاضر نیز «سیاست»، با هویت هدایت جامعه در جهت مصالح دنیوی و اخروی، و اداره کشور و هدایت عمومی همراه با تأمین مصالح فرد و جامعه، اعم از مادی و معنوی، پیوندی معنادار با تألیف قلوب دارد. همسویی این دو پدیده در نگاه اسلامی از باب وحدت در هدف است؛ زیرا هر دو، تأمین‌کننده اهداف و مصالح فرهنگی، اجتماعی و امنیتی امت و نظام اسلامی در عصر کنونی نیز است.

واژگان کلیدی: تألیف قلوب، سیاست، حکومت، اسلام و فقه.

* نویسنده مسئول

مقدمه

به طور کلی، دین اسلام یک دین اجتماعی و فردی است که به جهات اجتماعی بودن بر اساس روابط انسان ها با هم، شکل گرفته است و در مورد روابط مسلمین با دیگران، به بیان نظر و ایده پرداخته است. مسلمین، روابطی دارند که در بین خودشان است و رابطه مسلمین را با هم مشخص می کند که بر اساس رحمت، برادری، مهربانی، دلسوزی، ایثار، اتحاد و یکپارچگی شکل گرفته است. همان طور که خدا نیز در قرآن می فرماید:

اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده نشوید. (سوره آل عمران، ۱۰۳)

همان طور که مشاهده می شود در این آیه خداوند خطاب به مومنان فرمان به اتحاد و همبستگی حول محور اسلام می دهد. مطمئناً افراد بشر به جهت اختلاف سلیقه و برداشت از مسائل قادر به اتحاد نظر در همه ی عرصه ها نمی باشد و این امری طبیعی و قابل پیش بینی است اما تجربه نشان داده که در عین اختلاف نظر می توان نقاط مشترک بین افراد را جستجو کرد و با تکیه بر آن ها با یکدیگر همکاری نموده و در مسیر رسیدن به اهداف بزرگ به نتایج چشم گیری دست یافت. در این میان افرادی نیز هستند که متکبر و خودرای هستند و به ایجاد کشمکش و نزاع می پردازند که در این زمینه اسلام به همدلی و مساعدت فرا می خواند.

در این زمینه اسلام توصیه می کند دولت اسلامی در روابط خارجی خود نیز به منظور جلب و جذب برخی ملت ها و یا از میان برداشتن زمینه های خصومت و ایجاد زمینه های همسویی و همگرایی، از تالیف قلوب استفاده کند. آنچه تحت عنوان «تالیف قلوب» مطرح است، در واقع مساعدت های حکومت اسلامی برای ایجاد زمینه های همدلی و جذب ملت ها به سوی تعالیم اسلامی است. اسلام، برخلاف اتهام زنی های دشمنان و کج اندیشی های جاهلان که درصدد ارائه چهره خشن از آن اند، آیین مهرورزی است؛ از این رو، نشانه های اهتمام به سیاست نرم و الفت آفرین در آموزه ها و احکام آن به وفور یافت می شود. «تالیف قلوب» از آن جمله و در رأس آنها قرار دارد که از آن می توان به راهبرد سیاست دلجویی و مهرورزی اسلام نیز تعبیر کرد. بحث تالیف قلوب دلجویی از برخی مشرکان یا منافقان و حتی گروه های خاص از مسلمانان با هدف جلب همکاری سیاسی افراد و جریان ها با نظام و امت اسلامی یا دفع توطئه ها و تهدیدات است. برخلاف دیدگاه تقلیل گرایانه منسوخ بودن سهم تألیف شونده ها یا عدم امکان اجرای این حکم در عصر غیبت، امکان عمل و زمینه اجرا دارد. «تالیف قلوب»، هماهنگ با اهداف سیاسی اسلام است و پیوند وثیق و مؤثر با سیاست ورزی و دیپلماسی اسلامی دارد. پیوند سیاست اسلامی با «تالیف قلوب»، در هر دو عرصه «سیاست داخلی» و «سیاست خارجی»، و در هر عصر و زمان قابل اثبات و اجرا می باشد. به همین دلیل ضرورت دارد که بحث بقا این حکم در عصر حاضر بررسی گردد و مسائل و احکام پیرامون آن مشخص گردد.

روش تحقیق

روش کار در این توصیفی - تحلیلی خواهد بود؛ در ابتدای هر بحث، پس از طرح دیدگاه های مختلف و محتمل به ذکر دلایل هر یک و نقد و در پایان به تقوین دیدگاه قابل پذیرش پرداخته خواهد شد. روش گردآوری در این تحقیق کتابخانه ای است. با مراجعه به کتابخانه های تخصصی و جمع آوری مطالب و فیش برداری از کتب فقهی و حقوقی اقدام و با سپس با تهیه فهرست اولیه مطالب در فهرست جایگزین و سپس اقدام به نتیجه گیری می شود. فیش برداری از کتابهای مورد استفاده در تحقیق، پایان نامه ها و مقالات، نرم افزارهای مرتبط و سایت های مرتبط ابزار کار در این تحقیق خواهند بود. همچنین این مطالعه با استفاده از روش های اسنادی و با استفاده از منابع و کتب موجود و نظرات سیاستمداران و اندیشمندان موضوع را مورد بررسی قرار می دهد.

مفهوم شناسی تالیف قلوب در اسلام

از نظر فقهی تالیف قلوب عبارت است از: « حمایت اقتصادی مسلمین و یا کفار توسط پیامبر، امام و یا ولی امر مسلمین به منظور جلب آنان برای جهاد و اسلام و دفاع از آن. »
برای این حمایت اقتصادی اسلام بودجه ی خاصی را اختصاص داده و آن قسمتی از زکات است که به عنوان مالیات اسلامی، از مردم مسلمان گرفته می شود. کسانی که چنین مورد کمک و حمایت قرار می گیرند «مؤلفه قلوبهم» و یا «مؤلفه القلوب» نامیده می شوند.
در قرآن مجید برای بودجه ی هنگفت زکات هشت مورد مصرف بیان گردیده است. متن آیه ی شریفه در این باره چنین است:

« إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (سوره توبه، ۶۰) »

همانا زکات مخصوص: فقرا، مسکینان، بینوایان، کارمندان دولت اسلامی که مسؤول جمع آوری زکاتند، مؤلفه القلوب، آزادی بردگان، مقروضات و ورشکستگان، فی سبیل الله (کارهای عام المنفعه، مانند: ساختن مسجد، پل، بیمارستان، کتابخانه و...)، ابن سبیل (کسانی که در حین مسافرت و دور از وطنشان خرج راه خود را تمام کرده و به آن نیاز دارند)... »

این ها موارد مصرف بودجه ی زکات اسلامی است و فقهای شیعه و سنی نیز همه متفقند که موارد مصرف زکات این هشت مورد است که خداوند به طور صریح بیان فرموده است. (محمدبن مکی، شهیداول، اللمعه الدمشقیه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۹۳)

اما فقها، بعد از اتفاقشان بر این هشت مورد، در مورد کیفیت هر یک از عناوین، اختلاف فتوا و نظر جزئی پیدا کرده اند. چنان که ملاحظه فرمودید یکی از موارد هشت گانه «مؤلفه القلوب» می باشد که باید از زکات سهمی به آنان داده شود تا در جهاد و مبارزه شرکت کنند؛ اینان را خداوند به این خاطر «مؤلفه القلوب» نامیده است که رهبر و امام مسلمین با پشتیبانی و حمایت مالی جدی آنان، دل هایشان را نسبت به اسلام و مسلمین تالیف و پیوند می دهد و آنان را برای دفاع از اسلام و یا مبارزه علیه دشمنان اسلام، تشویق و دلگرم می سازد.

پیامبر اسلام صل الله علیه و آله و سلم در دوران حیاتش، اصل تألیف قلوب را به کار می بست. مثلاً از مشرکان شخصی به نام «صفوان بن امیه» و از منافقان، ابوسفیان تألیف قلوب شدند. (مغنیه، ۱۴۲۱، چ دهم، ص ۹۰)

صفوان بن امیه در جنگ حنین به همراه مسلمین جنگید و از غنائم نیز سهم برد. نتیجه ی مطالب مذکور این است که دین مقدس اسلام، برای تشویق و تقویت ایمان مسلمانان ضعیف الایمان و نیز برای جلب کفار به جهاد و مبارزه علیه طاغوت ها و یا جلب آنان برای شرکت در دفاع از وطن اسلامی، بودجه ی مالی ویژه ای را در نظر گرفته و اعمال چنین سیاستی در سیاست خارجی «تألیف قلوب» نامیده می شود.

ضرورت تألیف قلوب

«سهمی از زکات باید در راه توسعه و ترویج فرهنگ اسلام و دعوت دیگران به دین اسلام از راه ایجاد در رابطه حسنه و جذب قلوب آنان مصرف شود. از قدیم گفته اند هر گردویی گرد است ولی هر گردی گردو نیست هر مومنی مسلمان هست ولی هر مسلمانی مومن نیست بسیاری کسانانی که مسلمان هستند یعنی از شرک دورند و در مدار توحید قرار گرفته اند ولی در مرحله ضعیفی از ایمان قرار دارند اسلام برای آنکه دست این افراد را بگیرد و به مراحل توحید قرار گرفته اند ولی در مرحله ضعیفی از ایمان قرار دارند اسلام برای آنکه دست این افراد را بگیرد و به مراحل بالاتر ببرد راه هائی را مطرح کرده است، از جمله سهمی از زکات برای کمک یا توسعه در زندگی آنان صرف شود تا با این عمل معرفت و شناخت در جان آنان تثبیت شود. کسانانی که با اسلام داغ شده اند باید با محبت ها پخته شوند. (قرائتی، ۱۳۲۴، ص ۶۲-۶۴)

زیرا هر داغی سرد می شود ولی هر پخته ای دیگر خام نمی شود. کسانانی که به اسلام وارد شده اند با این گونه رفتارها و محبت ها اسلام در درون جانی آنان جای گیرد. امروزه ابر قدرت ها با فرستادن کتاب ها، کشیشی ها، کارشناس ها، دعوت نامه ها، بورسیه ها، هئیت های علمی و فنی و صدها راه دیگر برای توسعه فکر خود و سلطه گری سایه شوم خود را بر کشورها گسترش داده اند، سفرها کردند، کنگره ها گرفتند، توطئه ها کردند، افرادی را با پول خریدند، به اسم جهانگرد و جب به جب سرزمین های ما را گشتند و به اسم کارشناس فنی اقتصاد ما و به اسم کارشناس نظامی قوای مسلح ما را زیر نظر گرفتند و بدتر از همه اینکه از بودجه خود ما علیه خود ما استفاده کردند ولی متأسفانه مسلمانان با داشتن ده ها فرمان به سیر و سفر به هجرت و تبلیغ، به فراگیری علوم از شرق و غرب، از گهواره تا گور و از زمین تا ثریا در خواب غفلت فرو رفته اند. فراموش نکنیم که حضرت علی (ع) در روزهای آخر عمر مبارکشان با ناله می فرمود مبادا دیگران در عمل به اسلام از شما جلو بیفتند. اگر ما امروز با پرداخت حق الهی دل افراد ضعیف را جذب کنیم تمام توطئه ها و تبلیغات و تهاجمات دشمن را خنثی خواهیم کرد. «همان)

دیدگاه ها درباره نسخ و عدم نسخ حکم تألیف قلوب

حکم تألیف قلوب به لحاظ نسخ یا بقای آن پس از عصر نبوی، از دیدگاه فقهای امامیه و عامه به شرح ذیل است.

۲-۱. دیدگاه فقهای امامیه

بیشتر فقهای امامیه بر این باورند که حکم تألیف قلوب نسخ نشده و پس از پیامبر(ص) نیز باقی است. یکی از مهم‌ترین ادله ایشان بر عدم نسخ نیز عدم دلیل بر نسخ است، آنان هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای ندارند؛ بلکه صرفاً به برخی حدس و گمان‌ها یا توجیهات شخصی از برخی رویدادها و عملکردهای دوران پس از رحلت پیامبر(ص) روی آورده‌اند که نمی‌توان برای اثبات نسخ یک حکم منصوص قرآنی به چنین توجیهاتی اعتماد کرد.

علامه حلی(ره) با اشاره به دیدگاه مخالف که حنفی‌ها هستند آورده است که آنها به این دو دلیل تمسک جسته‌اند: «۱. لظهور الإسلام وقوة شوکته؛ ۲. ولان الصحابة لم يعطوا شيئاً من ذلك بعد الرسول(ص).» «قائلین قول به بقای این حکم که طرف مقابل ابی‌حنیفه‌اند نیز به دو دلیل دیگر تمسک جسته‌اند: ۱. اقتدا به سیره پیامبر(ص)؛ ۲. استشهاد به سیره صحابه؛ مانند «ابی‌بکر» که به «عدی بن حاتم» سی نفر شتر از زکات شتران خودش را برگرداند و از باب تألیف به ایشان داد. (حلی، ۱۴۱۲، ص ۳۴۲)

پاسخ‌های فقهای شیعه به توجیهات ابوحنیفه و هوادارانش نیز قابل توجه است؛ از جمله اینکه گفته‌اند: برخلاف تصور ابوحنیفه، اسباب تألیف هنوز باقی است و تاهنگامی که سبب باقی باشد، مسبب که حکم است نیز دوام می‌یابد. «وقال فقهاء الشيعة أنه باق ما دام على وجه الارض غير مسلم و مناویء للإسلام، إذ محال ان يسقط المسبب مع بقاء سببه، و يرتفع المعلول مع وجود علته.» «(محمدجواد، مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسة، ص ۸۲) از این‌رو، بسیاری از فقهای معاصر امامیه در کتب فتوایی‌شان، به صراحت بر بقا و دوام این حکم در این زمان و عدم سقوط آن، حکم کرده‌اند؛ مانند امام خمینی(ره) که فرموده‌اند: «الرابع المؤلفه قلوبهم؛ وهم كفار الذين يراد ألفتهم إلى الجهاد أو الإسلام، والمسلمون الذين عقائدهم ضعيفة؛ فيعطون لتأليف قلوبهم. والظاهر عدم سقوطه في هذا الزمان.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۳۳۶)

البته از برخی ظواهر کلمات عده‌ای از فقهای شیعه، مانند شیخ صدوق در من لایحضره الفقیه، و شیخ طوسی در المبسوط، نیز استفاده می‌شود که به سقوط این حکم پس از پیامبر(ص) گرایش داشته‌اند. شیخ صدوق می‌فرماید: «وسهم المؤلفه قلوبهم ساقط بعد رسول الله(ص)»؛ (محمدبن علی، صدوق، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۰۴، ص ۶) ولی این احتمال وجود دارد که شاید منظور ایشان از سقوط این سهم پس از پیامبر(ص)، به معنای فراهم نبودن شرایط و فقدان زمینه انجام و اجرای این حکم است که بیشتر، از نبود اجراکننده این حکم یا مبسوط‌الید نبودن کسانی که شایستگی اجرای این حکم را داشته باشند، ناشی می‌شود؛ نه آنکه اصولاً اصل حکم نسخ شده باشد! (طبرسی، ۱۴۱۵، ص ۶۵)

طبرسی (ره) در مجمع‌البیان پس از بیان اختلاف دیدگاه‌ها بر سر بقا و عدم بقای این حکم پس از پیامبر، می‌فرماید: حدیثی از امام باقر(ع) دال بر بقا می‌باشد؛ جز آنکه مشروط شده است به اینکه امام عادل وجود داشته باشد تا با این سهم، تألف بجوید. (بحرانی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۹)

به نظرمی رسد، با وجود این شرط که در کلام امام باقر(ع) آمده و با توجه به ظهور برخی عبارات شیخ طوسی به دست می‌آید که نمی‌توان این دسته از فقهای بزرگوار امامیه را با استناد به ظواهر برخی کلمات ایشان، جزو طرفداران نسخ یا حتی انحصار حکم فقهی تألیف قلوب به زمان حضور معصومان(ع) دانست.

به‌ویژه بر اساس نظریه ولایت فقیه، که در عصر غیبت، فقط نواب عام معصوم که فقهای عظام جامع‌الشرايط می‌باشند اذن و لیاقت تصدی مقام جانشینی پیامبر(ع) و ائمه(ع) را در امور مدیریتی و سیاسی جامعه دارند. پس سهم تألیف‌شوندگان نیز باقی است و فقهای مبسوط‌الید، نیز می‌توانند حکم تألیف قلوب را عملاً احیا کنند و به آن جامعه عمل بپوشانند.

برخی فقهای امامیه، ولایت بر اخراج زکات و حق تصرف در آن را در عصر حضور، منحصر به امام معصوم(ع) و در عصر غیبت، برای فقیه دانسته‌اند. «... أَمَّا الْمَالِكُ وَنَوَابِهِ، فَلَا خُلَافَ فِي جَوَازِ تَوَلِّيهِمْ فِي الْجَمَلَةِ، خِلَافًا لِلْمَفِيدِ وَالْحَلْبِيِّ فَأَوْجَبَا الدَّفْعَ إِلَى الْإِمَامِ مَعَ الْحُضُورِ، وَإِلَى الْفَقِيهِ مَعَ الْغَيْبَةِ.» (انصاری، ۱۴۱۵، ص ۳۵۴)

گرچه شیخ انصاری خود با استناد به روایات، وجوب و انحصار دفع زکات را به فقیه در عصر غیبت و در صورت عدم مطالبه امام و فقیه نمی‌پذیرد، ولی رد زکات به فقیه را در عصر غیبت مستحب می‌داند: «نعم لا ريب في استحباب دفعها إلى الإمام عليه السلام، وإلى الفقيه مع الغيبة؛ لفتوى جماعة؛ ولأنه أبصر بمواقعها.» «در صورت مطالبه فقیه، اوضاع فرق می‌کند و ایشان در این صورت، دفع زکات را به فقیه واجب می‌شمارد؛ با این استدلال که طبق روایات دال بر نیابت عامه، نافرمانی از فقیه به منزله نافرمانی از خداوند است که شامل این مورد نیز می‌شود.

«وَلَوْ طَلَبَهَا الْفَقِيهُ فَمَقْتَضَى أَدْلَةَ النِّيَابَةِ الْعَامَّةِ وَجُوبَ الدَّفْعِ؛ لِأَنَّ مَنَعَهُ رَدَّ عَلَيْهِ، وَ الرَّادَّ عَلَيْهِ رَادَّ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى - كَمَا فِي مَقْبُولَةٍ عَمْرِيْنَ حَنْظَلَةَ يَعْنِي أَمَّا كَسَى بِرَغْمِ مَطَالِبَةِ الْفَقِيهِ، زَكَاتَ رَا فِي اخْتِيَارِ وَى قَرَارِ نَدَهْدُ وَ نَافَرْمَانِي كُنْد، بِرِ اسَاسِ مَفَادِ مَقْبُولِهِ، نَافَرْمَانِي أَوْ از فَقِيهِ بَسَانِ نَافَرْمَانِي از خَدَاوَنْدِ اسْتِ وَ جَايزِ نَيْسْت. (شهید اول، ۱۴۱۴ ج ۲، ص ۳۱۳)

بنابراین، نتیجه می‌گیریم که اولاً، فرمایش شهید اول در البیان که می‌فرماید: «وَالظَّاهِرُ أَنَّ التَّأْلِفَ بَاقٍ بَعْدَ مَوْتِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ»، دیدگاه جامع و درست است؛ ثانیاً، سخن محقق عراقی نیز در این زمینه، رسا و پذیرفتنی است که می‌فرماید:

فَيَشْمَلُ كُلَّ مَنْ يَكُونُ فِي اسْتِمَالَتِهِ دَخَلَ فِي شَوْكَةِ الْإِسْلَامِ، كَافِرًا كَانَ أَمْ غَيْرَ كَافِرٍ وَ لَا اخْتِصَاصَ أَيْضًا لِهَذَا الصَّنْفِ بِالْفُقَرَاءِ مِنْهُمْ، وَ لَا زَمَانَ الْحُضُورِ، إِلَّا بِتَوْهَمِ دَخَلَ الْجُهَادَ بِالْمَعْنَى الْأَخْصَ، وَ فِيهِ مَنَعٌ ظَاهِرٌ. (عراقی، ۱۴۱۴، ص ۱۲)

پس معلوم شد که نه تنها قول به نسخ «سهم مؤلفه» از دیدگاه امامیه به هیچ وجه قابل پذیرفتنی نیست، بلکه منحصر شمردن اجرای این حکم به زمان حضور امام معصوم(ع) نیز مردود است؛ زیرا

فقها نواب عام امام‌اند و فقهای امامیه در صورت مبسوط‌الید بودن فقیه، منکر جواز اجرای این گونه احکام سیاسی اجتماعی توسط فقیه نیستند.

دیدگاه فقهای عامه

برخلاف دیدگاه منسوب به ابوحنیفه، بسیاری از فقهای مذاهب اهل سنت نیز همانند اکثریت امامیه، به بقا و دوام حکم فقهی «تالیف قلوب» رأی داده‌اند و بدان معتقدند. به نقل از مالکی‌ها آورده‌اند که معتقد به بقای این حکم‌اند و اجرای آن را درباره کفار، منوط به نیاز اسلام به استیلاف کفار دانسته‌اند که هرگاه احساس نیاز شود، می‌توان از سهم «مؤلفه قلوب» به کفاری که به اسلام کمک می‌رسانند، زکات داده شود و این حکم منسوخ نشده و محدود به زمان حیات پیامبر اکرم نبوده است: «لَمَالِكِيَّةٌ قَالُوا: وَالْمُؤَلَّفَةُ قُلُوبِهِمْ. هُمْ كُفَّارٌ... وَقِيلَ: هُمْ مُسْلِمُونَ حَدِيثٌ وَعَهْدٌ بِالْإِسْلَامِ، وَعَلَى الْقَوْلِ الثَّانِي: فَحُكْمُهُمْ بَاقٍ لَمْ يَنْسَخْ، فَيُعْطُونَ مِنَ الزَّكَاةِ الْآنَ. وَأَمَّا عَلَى التَّفْسِيرِ الْأَوَّلِ فَفِي بَقَاءِ حُكْمِهِمْ وَعَدَمِهِ خِلَافٌ، وَالتَّحْقِيقُ أَنَّهُ إِذَا دَعَتْ حَاجَةُ الْإِسْلَامِ إِلَى اسْتِئْثَافِ الْكُفَّارِ أُعْطُوا مِنَ الزَّكَاةِ وَإِلَّا فَلَا.» «حنابله و شافعیه نیز از نسخ این حکم سخن نگفته‌اند و تصریحی بر نسخ، از آنان گزارش نشده است. (جزیری و دیگران، ۱۴۱۹، ص ۸۰۴ و ۸۰۵)

بررسی وجود حکم تالیف قلوب در عصر حاضر

قبل از ورود به مباحث دیگر باید ثابت کنیم که حکم تالیف قلوب مختص زمان پیامبر (ص) نبوده و همچنان هم به قوت خود باقی است و بر فرض باقی بودن آیا در عصر غیبت و در زمان رهبری مرجعیت فقها که الان ما در آن قرار داریم نیز این حکم وجود دارد؟ چون در صورتی که عدم ثبوت آن اثبات شود دیگر بحث از موارد بعدی بی حاصل خواهد بود، بنابراین ابتدا ثبوت و تداوم این اصل و حکم را در عصر خود ثابت کرده و بعد به سراغ مباحث بعدی خواهیم رفت.

اکثر قریب به یقین فقهای شیعه قائلند که حکم تالیف قلوب بعد از رحلت پیامبر (ص) همچنان بر قوت خود باقی بوده است، چون نه خود پیامبر تا آخرین لحظه عمر مبارکشان از این کار نهی کرده‌اند و نه این که آیه ای در نسخ این حکم نازل شده است، بنابراین دلیلی بر نسخ این اصل نیست همچنان که گفته شده: حکم تالیف قلوب بعد از پیامبر باقی است، چون خود پیامبر تا هنگام وفاتش به آن عمل می‌کرد. حضرت امام خمینی نیز از قائلین به بقای حکم تالیف قلوب بعد از رحلت پیامبر هستند. (عراقی، ۱۴۱۴، ص ۱۲۷)

اما در میان فقهای اهل سنت در این زمینه اختلاف وجود دارد، برخی مثل ابوحنیفه قائل شدند که حکم تالیف قلوب، بعد از پیامبر ساقط شده است، و استناد کردند اولاً: به عمل عمر در قطع سهم مؤلفه قلوبهم، ثانیاً: چون آن وقت مسلمین ضعیف بودند و به آن نیاز داشتند ولی در زمان حاضر دیگر نیازی به آن ندارند. (قرطبی، ۱۹۶۵، ج ۸، ص ۲۰۱).

اما بقیه مذاهب به اتفاق قائل به بقا این اصل بعد از رحلت پیامبر (ص) شده و در جواب دلایل ابوحنیفه گفته‌اند: اینکه عمر بعد از رحلت پیامبر (ص) سهم مؤلفه قلوبهم را قطع کرد و صحابه نیز

او را در این نظر نهی و انتقاد نکردند و این دلیل نسخ شدن حکم تالیف قلوب است، باید بگوئیم که اولاً: عمر احساس کرد که آن قبایل و افرادی که قبلاً سهم تالیف قلوب می گرفتند، دیگر در شرایط جدید نمی توانند جزء مصادیق و مستحقان این حکم باشند و این مسئله به هیچ وجه به معنای ابطال و یا رفع حکم نیست چون همانطور که میدانیم در طول زمان مصادیق و موارد احکام شرع عوض می شود، اما اصل حکم مرتفع نمی شود، ثانیاً: نسخ ابطال حکمی است که شارع و خداوند آن را تشریح کرده و ابطال حکم در اختیار کسی است که تشریح حکم نموده است و نه غیر آن، و تشریح کننده حکم، همانا خداوند می باشد که به واسطه پیامبرش انجام داده است و لذا نسخ، فقط در دوران پیامبر(ص) درست می باشد و در دوران صحابه به هیچ وجه صحیح نیست و علاوه بر آن هیچ آیه ای نیز تا وفات پیامبر مبنی بر نسخ این حکم نیامده است و تا آخرین لحظات عمر مبارک ایشان به آن عمل میشده است. (قرضاوی، ۱۴۱۴، ص ۵۹۸)

در جواب دلیل دوم نیز گفته شده: این ادعا که دیگر در این زمان نیازی به تالیف قلوب نمی باشد، یک ادعای نادرست می باشد، زیرا از طرفی این حکم صرفاً به این دلیل نیست که آنها در مقابل به ما کمک کنند چون همچنان که قبلاً هم اشاره شد، یکی دیگر از دلایل تالیف قلوب، ترغیب دیگران به دین اسلام و نجات آن ها از ضلالت و کفر میباشد، از طرف دیگر باید این واقعیت را بپذیریم که اسلام در حال حاضر دچار مظلومیت و غربت شده و ملت های مسلمان از هر سو مورد هجوم قرار گرفته اند، بطوریکه برخی از آنان دچار ذلت و خود کم بینی شده اند، بنابراین در چنین موقعیتی اسلام بیشترین نیاز را به ایجاد اتحاد کامل در بین مسلمانان دارد، تا آنها رو به سوی جلب حمایت های دیگر کشورهای غیر مسلمان نیابند بنابراین قول حق بقای این اصل بعد از پیامبر بوده و امام مسلمین با صلاح دید خود می تواند سیاست تالیف قلوب را بکار ببرد.. (همان، ص ۶۰۸)

اما حال بحث در این است که آیا این حکم در عصر حاضر و غیبت امام(ع) نیز موضوعیت داشته و همچنان بر قوت خود باقی است؟ در این مورد نیز قول مشهور مبنی بر این است که این اصل مختص زمان حضور امام نبوده و در حال حاضر نیز پابرجاست برای مثال محقق اردبیلی می نویسد: جهاد دفاعی در زمان غیبت نیز مطرح بوده و بنابر آن واجب است که سهمی از زکات را به عنوان تالیف قلوب برای تقویت مسلمینی که در برابر مشرکین مورد هجومه قرار می گیرند داده شود. امام خمینی نیز در این مورد می فرماید: ظاهر این است که حکم تالیف قلوب در زمان ما نیز باقی است. (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ص ۳۳۶)

در مقابل برخی نیز مانند شیخ طوسی قائلند: چون تالیف قلوب فقط در رابطه با جهاد ابتدایی و از لوازم آن می باشد و در زمان غیبت امام زمان(ع) جهاد ابتدایی جایز نیست و لذا نتیجه گرفته می شود که در زمان غیبت امام، تالیف قلوب جایز نمی باشد. که در جواب گفته می شود: در دین اسلام جهاد در چند مورد وجود دارد. یک مورد، جهاد ابتدایی است، یعنی اینکه، اسلام اجازه می دهد که مسلمین ولو اینکه سابقه عداوت و دشمنی هم با غیر مسلمانان نداشته باشند به آنها حمله کنند، برای از بین بردن شرک. و شرط این نوع جهاد این است که افراد مجاهد باید بالغ

وعاقل و آزاد باشند، و انحصاراً بر مردها واجب است نه بر زنها. در این نوع جهاد است که اذن امام یا منصوب خاص امام شرط است از نظر فقه شیعه این نوع جهاد جز در زمان حضور امام یا کسی که شخصاً از ناحیه امام منصوب شده باشد جایز نیست، یعنی از نظر فقه شیعه الان برای یک نفر حاکم شرعی هم مجاز نیست که دست به اینچنین جنگ ابتدایی بزند. مورد دوم جهاد، آن جایی است که حوزه اسلام مورد حمله دشمن قرار گرفته، یعنی جنبه دفاع دارد، به این معنا که دشمن یا قصد دارد بر بلاد اسلامی استیلاء پیدا کند و همه یا قسمتی از سرزمینهای اسلامی را اشغال کند، یا قصد استیلای بر زمینها را ندارد، بلکه قصد استیلای بر افراد را دارد و می خواهد یک عده افرادی را اسیر کند و ببرد، یا حمله کرده و می خواهد اموال مسلمین را به شکلی برباید یا به شکل شبیخون زدن، یا به شکلی که امروز می آیند منابع و معادن و غیره را می برند که به زور می خواهند بگیرند و ببرند و یا می خواهد به حریم و حرم مسلمین، به نوامیس مسلمین، به اولاد و ذریه مسلمین تجاوز کند. بالاخره اگر چیزی از مال یا جان یا سرزمین و یا اموری که برای مسلمین محترم است مورد حمله دشمن قرار گیرد، در این جا بر عموم مسلمین اعم از زن و مرد، و آزاد و غیر آزاد، واجب است که در این جهاد شرکت کنند (شاید حتی غیر بالغ هم جایز باشد که در این جهاد شرکت کند)، و در این جهاد اذن امام یا منصوب از ناحیه امام شرط نیست، امام خمینی احکام جهاد دفاعی را با عنوان (دفاع) به بررسی نهاده و آن را به دو قسم تقسیم کرده است: دفاع از کیان اسلام: این قسم از دفاع بر هر زن و مرد مسلمانی واجب است. دفاع از کیان اسلام، دارای گستره ای پدیده است که از آن جمله است دفاع در برابر یورش نظامی دشمنان یا دست نشاندهگان داخلی آنان، دفاع از ارزش ها و اصول اسلامی در برابر یورش فرهنگی بیگانگان، دفاع و موضعگیری درست سیاسی در برابر سیاست های خصمانه دشمنان، دفاع و تلاش در عرصه های اقتصادی برای رهایی از سلطه استعمار، دفاع شخصی: هر انسانی در برابر دشمن محارب، دزد و مانند آن حق دارد از خود، خانواده و دارایی اش دفاع کند. اگر دزد یا مهاجمی به کسی یا خانواده کسی تجاوز کند، واجب است به هر وسیله ممکن، از جان و ناموسش دفاع کند، هر چند منجر به کشته شدن مهاجم گردد. در صورتی که دشمن حمله کند تا شخص یا خانواده اش را بکشد و یا به ناموسش تجاوز کند، دفاع واجب است، هر چند بدانند که کشته یا مجروح می شود. اما در صورتی که مال مورد تجاوز قرار گیرد، دفاع واجب نیست و در صورت احتمال قتل، احتیاط این است که مال را تسلیم کند، چه رسد به این که به کشته شدن یقین کند، بنابراین همچنان که دیدیم کلمه جهاد، فقط به جهاد ابتدایی گفته نمی شود، و جهاد دفاعی نیز جهاد است و در زمان غیبت، جایز می باشد. (نجفی، ۱۳۶۵، ۵-۱۹)

نتیجه اینکه از نظر اکثریت مذاهب اسلامی، تا زمانیکه در روی زمین، غیر مسلمان باقی است، حکم تالیف قلوب هم به قوت خود باقی است، چون محال است که مسبب از بین بردن در حالیکه سبب باقی است، به عبارتی تا علت هست معلول نیز هست. و تالیف قلوب هرکسی که موجب شوکت و عظمت اسلام باشد، جایز است و اختصاص به کافر یا مسلمان، فقیر یا غنی ندارد، چنانکه اختصاص به زمان حضور امام زمان ندارد و در همه حال مطرح می باشد.

کاربرد اصل تالیف قلوب در عصر حاضر

با توجه به تمام مطالبی که گفته شد نتیجه گرفتیم که منظور شارع از تعیین این سهم، همانا متمایل ساختن و گرایش دادن دلها نسبت به دین اسلام و یا تثبیت مومنان در مقام ایمان و یا تقویت ایمان ضعیف الایمانها و کسب یار و هوادار برای اسلام و یا در مصون نگاه داشتن اسلام و دولت آن از شرّ و ضرر احتمالی می باشد. و این منظور شارع، گاه با اعطای کمک اقتصادی به برخی از دولتها و گاهی نیز با حمایت اقتصادی به جمعیت ها و دسته های و قبایل مسلمان و غیر مسلمان عملی می شود که آنها را بدین وسیله نسبت به اسلام خوش بین و متمایل بسازیم و یا بدین وسیله بتوانیم برخی از نیازهای دفاعی خود را تهیه کنیم. لیکن در آئین اسلام هزینه و سهم ویژه ای برای تبلیغ و جلب قلوب دیگران به اسلام، اختصاص داده شده است که همان سهم مولفه القلوب از بودجه هنگفت زکات می باشد.

از آنجائیکه دین اسلام بر فطرت بشری استوار است در بسیاری از نقاط جهان خود به خود رشد کرده است و لیکن به این دلیل که اسلام گرایان کمتر مورد حمایت قرار می گیرند لذا امکان آن بینش و بصیرت ژرف را نسبت به اسلام پیدا نمی کنند و یا آنچه را که از لحاظ مادی به خاطر پذیرفتن این دین و حمایت از آن، از دست داده اند، نمی توانند جبران کنند و بسیاری از جمعیت های اسلامی در ممالک مختلف، سعی در رفع چنین کمبودهایی دارند و لیکن هیچ گونه پشتوانه کمکی ندارند. برای مثال می توان به همین جنبش ها و حرکت های مردمی که در حال حاضر بین حکومتها و مردم و شخصیت های آن وجود دارد و هر کدام از قدرتهای جهان در صدد سوء استفاده و سعی در به زیر سلطه بردن این ممالک دارند، که در چنین وضعیتی جایز نیست که اسلام در مقابل این فتنه و توطئه، بی موضع و ساکت بماند، بلکه در این میان اسلام باید به یاری این جنبشهای مردمی جنبیده و با این توطئه ها مقابله کرده و با نشر شریعت خدا در زمین، از سیاست اسلام زدایی که این کشورها در پی آن هستند جلوگیری کرده و در این راه می تواند هزینه هایی را که لازم است از بیت المال تحت عنوان تالیف قلوب مصرف کند، بنابراین در زمان ما یکی از مصادیق مولفه القلوب مسلمانانی هستند که مورد هجوم کفار استعمارگر و رژیم های غاصب قرار گرفته اند و در صدد رهایی از این وضعیت هستند.

امام خمینی در راستای احیای این اصل الهی و هویت مسلمین در سراسر جهان است که می فرماید: من به صراحت اعلام می کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه گذاری می کند. و دلیلی هم ندارد که مسلمانان جهان را به پیروی از اصول تصاحب قدرت در جهان دعوت نکند و جلوی جاه طلبی و فزون طلبی صاحبان قدرت و پول و فریب را نگیرد. ما باید در ارتباط با مردم جهان و رسیدگی به مشکلات و مسائل مسلمانان و حمایت از مبارزان و گرسنگان و محرومان با تمام وجود تلاش نماییم. و این را باید از اصول سیاست خارجی خود بدانیم. ما اعلام می کنیم که جمهوری اسلامی برای همیشه حامی و پناهگاه مسلمانان آزاده جهان است و کشور ایران به عنوان یک دژ نظامی و آسیب ناپذیر،

نیاز سربازان اسلام را تامین و آنان را به مبانی عقیدتی و تربیتی اسلام و همچنین به اصول و روشهای مبارزه علیه نظامهای کفر و شرک آشنا می سازد. (داستانی، ۱۳۸۱، ص ۴۴-۴۵)

بنابراین اصل تألیف قلوب را هم اکنون می توان در مورد تمام حرکتها و نهضت های آزادی بخش جهان مانند نهضت هایی که در کشورهای فلسطین و لبنان و بحرین و تونس و لیبی و... صورت می گیرد، به کار برد یعنی جمهوری اسلامی ایران با به کار گیری این اصل اسلامی و انقلابی، تمام حرکت های ضد استعمار و ضد ظلم جهان را زیر حمایت خود قرار می دهد. برای مثال امام خمینی در پاسخ به ندای مظلومانه ملت فلسطین فرمودند: اکنون که مسلمانان انقلابی و شجاع فلسطین با همتی عالی و با آوای الهی از معراجگاه رسول ختمی مرتبت(ص) خروش بر آورده و مسلمانان را به قیام و وحدت دعوت نموده و در مقابل کفر جهانی نهضت نموده اند، با کدام عذر در مقابل خداوند قادر و وجدان بیدار انسانی می توان در این امر اسلامی بی تفاوت بود؟ اکنون که خون جوانان عزیز فلسطین دیوارهای مسجد قدس را رنگین کرده است و در مقابل مطالبه حق مشروعیان از مشتی دغلباز، با مسلسل جواب شنیدند، برای مسلمانان غیرتمند عار نیست که به ندای مظلومانه آنان جواب ندهند و همدردی خود را با آنان اظهار نکنند؟ باشد که فریاد همدردی آنان دولتها را بیدار کند که از قدرت عظیم اسلامی استفاده کرده و دست امریکای جهانخوار، این جنایتکار تاریخ را که از آن طرف دریاها به پشتیبانی ستمگران، دست پلید اسرائیل را می فشارد قطع کنند و ملتهای مظلوم جهان را نجات دهند حضرت امام بعد از آنکه ملتها را به بیداری، حرکت و مبارزه در راه آزادی تمام مستضعفان جهان از دست غاصبان فرا می خوانند، وظیفه اصلی دولت های اسلامی را در عصر حاضر دفاع از حرکتهای آزادی خواه بیان کرده و حتی ملتها را تشویق به برپایی تظاهرات و اعمال فشار علیه دولتها اومدند. (همان، ص ۴۲)

وجوب تألیف قلوب در عرصه سیاست داخلی و خارجی با تکیه بر آرای امام خمینی (ره)

کمک های مالی

اصل پرداخت کمکهای مالی و غیر مالی جهت جذب برخی کشورها به دولت اسلامی، یا تعدیل موضع آنها نسبت به کشور اسلامی و سیاستهای آن، اصلی است که از سوی غالب فقها مورد تأیید می باشد و به اعتقاد برخی از آنان باید از اصول سیاست خارجی اسلام به شمار آید. (شکوری، ۱۳۶۱، ص ۴۵)

قطع نظر از اختلاف نظر فقها در مورد دریافت کنندگان کمکهای مالی و غیر مالی تحت عنوان «تألیف قلوب» یا منبع تأمین این کمکها، این اصل میتواند اهرم مناسبی در دست حکومت اسلامی جهت تأمین برخی از منافع خود باشد. در دیپلماسی معاصر نیز کمکهای خارجی تحت عنوان وام و یا کمک بلاعوض مالی و غیر مالی، نقش بسزایی در جذب کشورهای دیگر و تأمین همسوئی یا تعدیل مواضع آنها نسبت به سیاستهای بین المللی کشور پرداخت کننده بازی میکنند. در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران موارد متعددی از عمل به این اصل مشاهده میشود: مانند تصویب قانون تحویل یک میلیون تن نفت خام سنگین به سوریه (۲۰ آذر ۶۵)، و تصویب

قانون استمهال و تقسیط ۱۷۰ میلیون دلار بدهی دولت جمهوری دموکراتیک خلق کره به جمهوری اسلامی (۱۶ آذر ۱۳۶۵) از سوی مجلس.

سیاستهای ایده آلیستی مانند دیپلماسی حمایت

توجه به آرمانهای مطلوب و الزام به در نظر گیری رئالیزم موجود همواره راه سیاستگذاری و تشخیص را بر تصمیم گیرندگان سیاست خارجی دولت اسلامی سخت کرده است. در حقیقت سیاست خارجی اسلام انعکاسی از عقیده ی اسلامی است که حد و مرز نمیشناسد و در چارچوب بنیانهای ملی، منطقه‌ای، نژادی یا جغرافیایی خاص محدود نمی‌ماند بلکه رسالتی جهانی دارد و پیام آن برای همه ی جهانیان است.

از نظر اسلام وضع موجود و حاکم بر سیاست جهانی از قبیل حاکمیت زور و محرومیت ملل مستضعف مردود است. در واقع هدف نهایی اسلام استقرار کامل ارزشهای الهی بر کل جهان است از این رو برخی از دانشمندان اسلامی معتقدند مسئولیت دولت اسلامی محدود به مرزهای خویش نیست، بلکه نسبت به تمام مسلمانان و محرومان جهان متعهد است. (ژان ژاک، روسو، ۱۳۶۶، ص ۶۰)

برخی دیگر معتقدند که دولت اسلامی نه تنها موظف به تلاش و اقدام در جهت دگرگون ساختن پایه های قدرتهای ظالم و معادلات ستم آمیز جهانی است، بلکه اساساً امنیت واقعی و حیات مطلوب آن در سایه ی این تغییرات تأمین میشود. (ولایتی، ۱۳۶۵، ص ۱۵)

در چنین وضعیتی و با علم به اینکه تلاش برای واقعیت بخشیدن به آرمانها و اهداف مقدس اسلام و تحقق برخی اصول سیاست خارجی اسلام نظیر حمایت از حقوق مسلمانان و محرومان جهان که یک مسئولیت بزرگ و خطیر است مسلماً تبعات و آثار خاص خود را به دنبال دارد و احیاناً خالی از برخی زیانها و تحمل انواع فشارهای سیاسی و لطمات ناشی از تحریم اقتصادی و سایر محدودیتهای نیست، این پرسش مطرح میشود که با توجه به قائل لاضرر، مقدار ضرر قابل تحمل و مجاز در این مورد چه میزان است؟ به عبارت دیگر تلاش در جهت تحقق اهداف احیاناً به قیمت فدا کردن منافع دولت اسلامی تمام میشود. در این صورت تراحم بین وظایف و اصول سیاست خارجی بخصوص تراحم میان تأمین منافع ملت و منافع امت چگونه قابل حل است؟ همچنین اگر این تراحم به صورت دائمی و مستمر رخ دهد تکلیف چیست؟ آیا تکالیف آرمانی همیشه باید مغلوب باشند؟ چنانچه بدانیم تحقق هدفهای یاد شده در شرایط فعلی قطعاً امکانپذیر نیست آیا ادامه تلاش در جهت هدفهای بالاتر در این وضعیت نیز یک وظیفه به شمار می‌آید؟ یا اینکه باید طبق نظریه «لزوم انجام وظیفه شرعی بدون توجه به نتایج آن» عمل کرد؟ لاریجانی در این خصوص معتقد است: امام خمینی (ره) روش خاصی در تلفیق این دو امر ایجاد کرده است، امام از یکسو انجام وظیفه را توفیق اصلی و «فوز عظیم» میدانند، (قطع نظر از نتایج آن)، و از سوی دیگر تأسیس حکومت صالح (اسلامی) و حفظ و نگهداری آن را بالاترین وظیفه میدانند. وی می افزاید: اگر کشوری در میان بلاد اسلامی ام القرای دارالاسلام باشد به نحوی که شکست یا پیروزی آن

شکست و پیروزی کل اسلام به حساب آید در آن صورت حفظ ام القرا بر هر امر دیگری ترجیح دارد حتی در صورت لزوم احکام اولیه را تعطیل میکند. (لاریجانی، ۱۳۶۹، ص ۲۰)

لزوم حمایتها برای تألیف قلوب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی در عصر حاضر

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و با شیوع اسلام هراسی بسیاری از رسانه های غربی، مسلمانان را تروریست های بالقوه معرفی کردند که این فشارها باعث شد تعدادی از مسلمانان برای اجتناب از برخوردهای تبعیض آمیز، نام خود را تغییر دهند. و برخی کشورهای غربی نیز به صورت خزنده و با بهره گیری از رسانه های جمعی، تلاش کردند تا از طریق تهیه و پخش فیلم ها و برنامه های ضد اسلامی مخاطبان آنها تصویری منفی از اسلام و مسلمانان دریافت کنند. بدیهی است مقابله منطقی با پدیده اسلام هراسی، نیازمند پشتیبانی و تقویت فعالیت های علمی و فرهنگی است. از آنجا که کمکهای یک کشور به دولت یا ملتهای دیگر موجب ایجاد حمایت برای کشور کمک کننده در عرصه سیاست بین المللی می شود، تمامی کشورها حتی کشورهای ضعیف نیز از مزایای کاربرد این ابزار غافل نمی مانند و بخشی هر چند اندک از بودجه عمومی خود را به تعقیب منافع فراملی خود از طریق حمایت اقتصادی از گروه یا طبقه خاصی، در درون کشور دیگر می نمایند. از آنجا که صرف چنین مبالغی از بودجه بازده بالا و غیر قابل مقایسه با هزینه صرف شده دارد و از این رو پیشبرد اهداف سیاست خارجی را تسریع و تسهیل میکند همواره موارد گوناگونی از تصمیمات مربوط به سیاست خارجی کشورها به اینگونه کمکها اشاره دارد. این گونه تصمیمات اصولی در عرصه سیاستگذاری خارجی همواره موجب پروبال گیری (ramification) کشور حمایت کننده در عرصه مبارزات سیاسی بینالمللی میشود. و بدین ترتیب به ایجاد همپایگی استراتژیک کمک میکند، و در مواقعی حتی در مقابل مخاصمان برای دولت حمایت کننده توان بازدارندگی ایجاد میکند. پس از جمله موارد بازدهی حمایتهای خارجی میتواند ایجاد بازدارندگی باشد، البته مشروط بر اینکه این گونه حمایتها به عنوان استراتژی عرضه شوند و نه به صورت تاکتیکی و فصلی. (فتاحی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۲-۱۴۰)

نکته ی دیگر این که میزان بازدهی این گونه حمایتها به همان اندازه که به حجم آنها مربوط است به مدت زمان ارائه آن نیز مربوط میشود. به این معنی که هر چه زمان عرصه این حمایتها طولانی تر باشد میزان پایبندی دولت کمک گیرنده به حمایت از سیاستهای دولت حمایت کننده نیز بیشتر خواهد بود. اهمیت این گونه تصمیمات در سیاستگذاری خارجی به حدی است که خود این تصمیمات به خودی خود «نظریه» بدهاند و حتی گاهی از نظریه فراتر رفته و به «دکترین» مبدل گشته اند. امنیت ایران نیز ماهیتاً یک مقوله بین المللی است که با حضور و نفوذ فرهنگی و اسلامی ایران در سطح فراملی میتواند تقویت و تأمین شود. دیپلماسی حمایت امام برای تألیف قلوب دارای هدف ابزاری نیست بلکه ماهیتاً اهداف انسانی را دنبال میکند، اگر چه ممکن است اهداف ابزاری سیاست خارجی را نیز تأمین کند؛ چرا که این کمکها پدیده ای ذاتاً بلاعوض نیستند و کمک گیرنده در صورت تحقق شرایط میل به جبران دارد. در صحنه بینالمللی این جبران از

سوی کشور کمک گیرنده در قالب حمایت سیاسی از کشور کمک کننده بروز مینماید. با بروز پدیده اسلام هراسی و حضور مسلمانان بسیار در کشورهای غیر اسلامی و نیز دامن زدن به اختلافات میان پیروان مذاهب مختلف اسلامی و بروز پدیده افراطی گری و گروه های تکفیری، استفاده بهینه از ظرفیت های «تألیف قلوب» بیش از گذشته احساس می شود. این رسالت بر دوش سازمان همکاری اسلامی به ویژه سازمان تخصصی علمی، آموزشی و فرهنگی این سازمان؛ یعنی «آیسیسکو» بیشتر سنگینی می کند. (میرمحمدی و شریفی، ۱۳۹۶، ص ۱۲)

با توجه به اینکه یکی از مهم ترین اهداف جمهوری اسلامی ایران، تلاش برای ارتقای سطح روابط بین آحاد مسلمانان در سرتاسر عالم بوده است، نیاز است با به کارگیری ابزارهای متنوع خود از جمله قدرت نرم، به شیوه های گوناگون بهره برد. با توجه به عمومیتی که اصل تألیف قلوب داراست، می توان گفت اصل تألیف قلوب نقش مهمی را می تواند در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران که ایفا نماید. از ابزارهایی که می توان توسط آنها به اصل تألیف قلوب جامعه عمل پوشاند، ابزارهای اقتصادی (پرداخت زکات، کمک به فقرا غیر مسلمان و شرکت در مشارکت اجتماعی، بخشش و هدیه)، ابزارهای فرهنگی (حضور فرهنگی و آموزشی فعال و مستمر در سایر کشورها، بهره گیری از موقعیت های جهان گردی) و ابزار سیاسی (انعقاد پیمان نامه های صلح و همزیستی، گسترش تعاملات بین المللی و حضور در مجامع بین المللی) هستند. براساس نتایج فوق وزارت امور خارجه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت آموزش و پرورش و سایر مراکز و سازمان ها با تأسیس مراکز و مجامع در تمام نقاط جهان، می توانند نقش چشم گیری در تقویت قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران براساس اصل تألیف قلوب داشته باشند. (خزائی و سیفی، ۱۳۹۶، ص ۱۱)

نتیجه گیری

الفت، همدلی و تألیف قلوب یکی از مهمترین اهداف تربیتی و سیاسی و اجتماعی اسلام و یکی از ارزشمندترین دستاوردهای اسلام در جامعه آشفته و پراکنده جاهلی صدر اسلام و عصر نبی مکرم اسلام است. از مباحث مطرح شده نتیجه می شود که یکی از آموزه های مورد تأکید اسلام الفت و همدلی است. این الفت و مهربانی باعث بدست آوردن دل های کفار و غیر مسلمانان می شود و باعث هدایت آنها به سوی خدا و هدایت به درست و مستقیم می شود.

در عصر حاضر نیز «سیاست»، با هویت هدایت جامعه در جهت مصالح دنیوی و اخروی، و اداره کشور و هدایت عمومی همراه با تأمین مصالح فرد و جامعه، اعم از مادی و معنوی، پیوندی معنادار با تألیف قلوب دارد. همسویی این دو پدیده در نگاه اسلامی از باب وحدت در هدف است؛ زیرا هر دو، تأمین کننده اهداف و مصالح فرهنگی، اجتماعی و امنیتی امت و نظام اسلامی در عصر کنونی نیز است. این همسویی، یادآور این واقعیت نیز می باشد که راهبرد اساسی سیاست اصیل اسلامی، با شیوه ایجاد الفت و پیوند معنوی استوار می شود. این سهم از زکات، در دوره کنونی برای جلب افراد، جریان ها و گروه های غیرمسلمان، و دعوت آنان به توحید و معارف حقه که نشر آن از

وظایف دولت اسلامی است همان طور که کشور ما نیز برای دولت های مسلمان و غیر مسلمان از این اصل بسیار استفاده کرده است. اهمیت این بحث و استفاده از تألیف قلوب در عرصه سیاسی، وقتی به خوبی درک خواهد شد که نخست به اهمیت دیپلماسی عمومی و قدرت نرم در عصر نوین توجه گردد؛ سپس به پیامدهای عینی رویکرد نوین قدرت های استعماری و سلطه گر که گاهی سیاست و ابزار تزویر را بیش از دیگر ابزارها مورد اهتمام قرار داده اند، دقت شود. آن گاه می توان در فضای جنگ نرم و در عرصه دیپلماسی، با استفاده از ابزار کارآمد و مؤثر تألیف قلوب، برای مقابله با ابزارهای مالی و سیاست تزویری دشمن چاره اندیشی کرد. نهایتاً اینکه، «تألیف قلوب» مورد نظر قرآن و فقه اسلامی، در عصر حاضر نیز در عرصه های نوین سیاست می تواند و باید به دست مجریان جامع الشرایط دینی، هویت و نقش اصلی خویش را باز یابد.

تألیف قلوب، ابزار مالی مؤثر و پردامنه ای برای فعال شدن «دیپلماسی عمومی» حکومت اسلامی در هر دو حوزه «سیاست داخلی» و «سیاست خارجی» است. به کار می رود. با استفاده از سهم مؤلفه قلوب می توان به اهداف وسیع مورد نظر از این حکم فقهی قرآنی، جهت اعتلای کلمه توحید و گسترش روزافزون مذهب و مکتب حق، امید بست؛ چنان که گاهی می توان برای کاهش دشمنی ها و تهدیدها، و تأمین امنیت، از سهم تألیف شونندگان بهره گرفت.

منابع و مراجع

قرآن کریم

- انصاری، مرتضی. (۱۴۱۵). کتاب الزکاة. (للسیخ الأنصاری)، قم، کنگره بزرگداشت اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۱۶). مجمع الفائده و البرهان. قم، انتشارات جامعه مدرسین، ج ۱۴ و ۱۲.
- اردبیلی، احمد. (۱۴۱۳). مجمع الفائده و البرهان. قم، مؤسسه نشر اسلامی.
- بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۳۸۰). الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
- بیرکی داستانی، علی. (۱۳۸۱). سیاست خارجی و روابط بین الملل از دیدگاه امام خمینی. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- جزیری، عبد الرحمن و دیگران. (۱۴۱۹). الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت. بیروت، دارالثقلین.
- حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن. (۱۳۷۷). المختصر النافع، تهران، نشر الهام.
- حسینی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۲). جهاد و حقوق بین الملل. تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حلی، حسن بن یوسف بن مطهر. (۱۴۱۲). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد، مجمع البحوث الإسلامية.
- خزائی، میثم؛ سیفی، عبدالمجید؛ لیالی (۱۳۹۶)، اصل تألیف قلوب و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه حکومت اسلامی شماره ۸۲.
- روسو، ژان ژاک. (۱۳۶۶). قرارداد اجتماعی. ترجمه منوچهر کیه تهران: انتشارات گنجینه، ص ۶۰.
- سرخسی، محمد بن احمد. (۱۳۲۴). المبسوط، قاهره. مطبعة السعادة.
- شهید اول، محمد بن مکی. (۱۳۷۷). اللمعه دمشقیه. تهران، نشر الهام.
- _____ (۱۴۱۴). الدروس الشرعیه. قم، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ج ۲.
- شکوری، ابوالفضل. (۱۳۶۱). فقه سیاسی اسلام. تهران، چاپ آرین.
- صدوق، محمد بن علی بن الحسین. (۱۴۰۴)، من لا یحضره الفقیه. قم، انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم، ج ۴.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵). مجمع البیان. بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ج ۵، ص ۷۵.
- میرمحمدی، سیدمصطفی؛ شریفی، محمدحسین (۱۳۹۶)، تألیف قلوب در وضعیت کنونی، فصلنامه حکومت اسلامی شماره ۷۹.
- عراقی، آقا ضیاءالدین (۱۴۱۴)، شرح تبصرة المتعلمین، تصحیح شیخ محمد حسون، قم، انتشارات اسلامی.
- فتاحی، حسن. (۱۳۸۷). دیپلماسی حمایت در روابط بین الملل. ۱۳۲-۱۴۰.
- قرطبی، محمد بن احمد. (۱۹۶۵). الجامع الاحکام القرآن. بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۸، ص ۱۷۸-۱۷۹.
- قرائتی محسن. (۱۳۲۴). زکات عنوان و نام پدیدآور: زکات محسن قرائتی مشخصات نشر: تهران ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۱
- لاریجانی، محمد جواد. (۱۳۶۹). مقولاتی در استراتژی ملی. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب، ص ۲۰.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۱). الفقه علی المذاهب الخمسة. ج ۴، بیروت، دارالجواد.

- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۸) تحریر الوسیله. ج ۱، ص ۴۸۵، مسائل ۴، ۵ و ۶. _____ (۱۳۷۹). تحریر الوسیله. قم، اسماعیلیان، ج ۱، ص ۳۳۶.
- نجفی، محمد حسن. (۱۳۶۵). جواهر الکلام. چ دوم، قم، دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۳۴۱.
- ولایتی، علی اکبر. (۱۳۶۵). «سرآغاز». مجله سیاست خارجی، سال اول، شماره اول، تهران: ص ۱۵.